

<p>■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤؤل: مهدی عرفاتی</p>		<p>حدیث روز:</p> <p>امام محمد باقر(ع)</p> <p>با راست کرداری، خود را برای خداوند بیاری.</p>	
<p>واحه:</p> <p>جهان پلی است بدان سوی چه که هر ساعت پدید آید این پل هزار جای شکست</p>		<p>اوقات شرعی:</p> <p>اذان ظهر: ۱۷/۵۰</p> <p>اذان مغرب: ۱۷/۴۸</p> <p>اذان صبح (فرذا): ۴/۴۷</p> <p>طلوع خورشید(فرذا): ۶/۱۱</p>	
<p>پیش بینی آب و هوا چهارشنبه</p> <p>تهران ۲۳ / ۱۲</p> <p>اهواز ۳۸ / ۱۸</p> <p>ایلام ۲۷ / ۸</p> <p>تبریز ۲۳ / ۹</p> <p>رشت ۲۶ / ۱۳</p> <p>شیراز ۲۶ / ۵</p> <p>مشهد ۲۸ / ۶</p> <p>کرمان ۲۲ / ۲</p>		<p>چهارشنبه ۲۳ مهر ۱۳۹۹ ۲۶ صفر ۱۴۴۲ سال بیست و یکم - شماره ۵۷۸۰ استان تهران و البرز ۲۵۰ تومان - دیگر استان ها ۱۵۰۰ تومان Wednesday - October 14, 2020</p>	
<p>امروز در تاریخ:</p> <p>روز جهانی عمای سفید</p> <p>درگذشت حزین لاهیجی، قفیه و ادیب و شاعر(۱۱۴۵ش)</p> <p>کنگل احداث ایستگاه راه آهن تهران(۱۳۰۶ش)</p> <p>آغاز اعتصاب کارکنان کارخانه سیترون، نیروگاه اتمی، زغال سنگ دامغان، نساجی یزد، پالایشگاه شیراز و آب و برق منطقه ای کرمان(۱۳۵۷ش)</p>		<p>حکمت ۲۱۸:</p> <p>حسادت بر دوست از آفات دوستی است.</p>	

مقطع حساس کتونی خلایقیت ۲ جوان در کجا شکوفاشد؟

❗ دو جوان برای دزدی به یک مغازه جواهرفروشی رفتند. نقشه آنها این بود که یکی از آنها سر جواهرفروش را گرم کند و نفر دوم مقداری از جواهرات را بدزدد و

از مغازه خارج شود، اما پیش از آنکه آنها بتوانند نقشه خود را عملی کنند، جواهرفروش متوجه دزد بودن آنها شد و فریاد زد، دزد، دزد و دو جوان به سرعت پا به فرار گذاشتند و جواهرفروش نیز به دنبال آنها به خیابان دوید. دو جوان در حین فرار با خود فکر کردند اگر جواهرفروش با فریاد دزد در دنبال آنها بیاید، مردم می فهمند و آنها را می گیرند و تحویل نیروهای انتظامی می دهند، پس به سرعت نقشه جدیدی کشیدند و ایستادند تا جواهرفروش به آنها برسد و وقتی رسید زیرغل او را گرفتند و با بیان این‌که ایشان برادرمان است و دیوانه شده و فکر می کند همه دزدند و دارند بخوربخور می کنند، وی را به طرف مغازه جواهرفروشی بردند. جواهرفروش که از این ابتکار عمل آنها جا خورده و خوشش آمده بود در همان حال که دو جوان زیرغش را گرفته بودند و می بردند به آنها گفت: شما که اینقدر مبتکر و خلاق و باحال هستید، چرا به کار دزدی اشتغال دارید؟ دو جوان گفتند: ما تلاش بسیاری کردیم که شغلی متناسب با استعداد و خلاقیت خود پیدا کنیم، اما پیدا نکردیم و حالا برای امرارمعاش مجبور به دزدی شده ایم. جواهرفروش گفت: من دوستی دارم که آموزشگاه بازیگری دارد و حتم دارم او می تواند استعداد شما را در راه درست خود شکوفا کند. در این لحظه دو جوان و جواهرفروش به مغازه جواهرفروشی رسیدند و جواهرفروش با آموزشگاه دوست خود تماس گرفت و دو جوان را به وی معرفی کرد و دو جوان به نزد وی رفتند و طبق آخرین متدهای جهانی به فراگیری بازیگری پرداختند و هم اکنون دو بازیگر مشهور و موفق هستند و آثار برجسته ای از خود بجای گذاشته اند. ❗

شایه ۳۶۳۷۰-ISSN۱۷۳۵۰۰۰۰

پایگاه اطلاع رسانی:

www.jamejamdaily.ir

پست الکترونیکی:

info@jamejamdaily.ir

تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر شماره ۱۳۹

تلفن: ۰۲۱-۳۳۰۴۰۰۰ | دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲

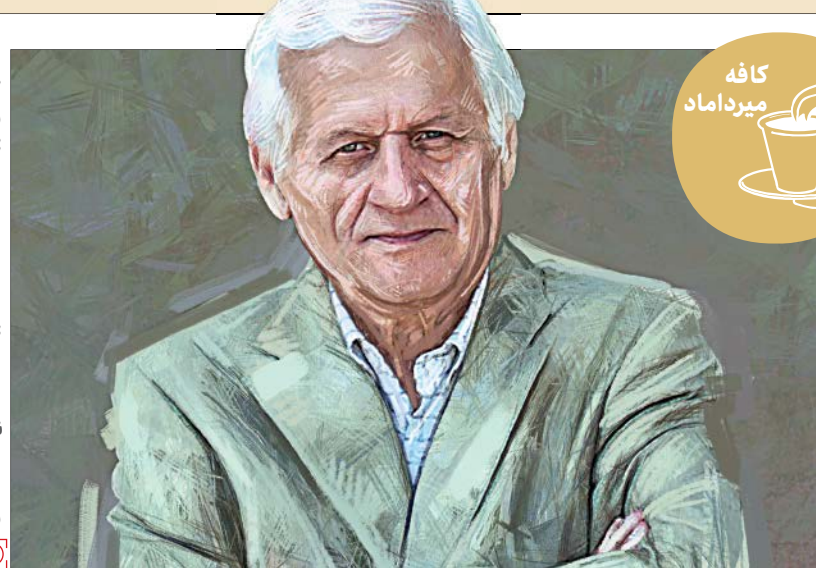
سازمان شهرستان ها: ۴۵۸۹۷ ■ کدپستی: ۱۹۱۹۱۸۴۱۳۰

مصورمشترکین: ۴۴۲۶۹۳۰ ■ سازمان آگهی ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰۰

شماره پیامک: ۳۰۰۱۱۳۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲

چاپ: چاپخانه روزنامه جام جم

پیش بینی آب و هوا چهارشنبه	تهران ۲۳ / ۱۲	اهواز ۳۸ / ۱۸	ایلام ۲۷ / ۸	تبریز ۲۳ / ۹	رشت ۲۶ / ۱۳	شیراز ۲۶ / ۵	مشهد ۲۸ / ۶	کرمان ۲۲ / ۲
----------------------------	---------------	---------------	--------------	--------------	-------------	--------------	-------------	--------------



کافه میرداماد

گفت وگو با احمد عربانی وساعد نیک ذات درباره استاد عالمی

همه عمر هنرمندانه زیست

❗ اوایل دهه ۷۰ بود، برای دیدن دوستی رفته بودم استودیوی علی رئیس شقاقی، یکی از بهترین عکاسان پیشکسوت عکس تبلیغاتی. عکسی را چاپ کرده و به دیوار نصب کرده بودند و آقای شقاقی با تحسین به عکس نگاه می کرد. پلايشگاه نفت بود در غروب. وقتی نگاه کردنش تمام شد، گفت:« فقط عالمی می تواند چنین عکس پانورامایی از صنعت بگیرد که آهن و فلز چنین زیبا و رنگ و لعاب دار باشد...» آن سال ها، زمانی که هنوز دوربین های دیجیتال باب نشده بود و فتوشاپ مثل امروز نبود که همه چیز مصنوعی باشد، دکتر اکبر عالمی زیباترین و باکیفیت ترین عکس ها را ثبت می کرد. ساعتی بعد برای بردن عکس ها آمد. خوش پوش، مهربان، مردمدار، خوش صحبت و... آن روز من یک هنرمند کامل را دیدم، بعدها سر کلاس هایش نشستم و همه سال هایی که از نزدیک دیدمش مانند همان روز اول، انسان و هنرمند و استاد کامل بود. دیروز برای همیشه آقای عالمی از این دنیا رفت. این ماه ها آنقدر آدم عزیز و محترم و هنرمند از دست داده ایم که به قول احمد عربانی: «آدم هوس مرگ می کنه دیگه».

احمد عربانی: افسوس ما و جای خالی او

لابراتوار تلویزیون بود. از دانشی که داشت، شگفت زده شدم و از فروتنی اش. از بی دریغی اش در این که دانشش را در اختیار دیگران بگذارد. دوستی مان ادامه یافت و در همه این سال ها کم دیدم کسی را که دانشمند و عالم باشد و به این میزان خوش مشرب باشد و رفیق. خوش بیان بود، طنز ای خاصی داشت اما هرگز ندیده و نشنیده ام که حرف بی ربطی بگوید، می دانست کجا، چه و به چه مقدار باید صحبت کند. اظهار فضل نمی کرد، فضل در او نهاده بود و هر زمان حرفی می زد و کاری می کرد ما را در این دنیای فضل شریک می کرد. به باور من انسان هایی مانند آقای عالمی؛ هدیه خداوند هستند، آمده اند تا چیزی به دنیا اضافه کنند و بروند. با رفتن شان دنیا چیزی کم خواهد داشت اما آنها آنقدر کامل و خوب بوده اند که حتما جایی می روند که خیلی بهتر از این جاست. آنها ز آنقدر کامل و خوش بوده اند که حتما ستاره بدرخشند و از درخشش او، دیگران هم بهره ببرند. من اوایل دهه ۶۰ که فیلم تبر را ساختم با آقای عالمی آشنا شدم. آن زمان مدیر خالی ترمی ش بود.



دیروز که به احمد عربانی، کاریکاتوربست معروف تلفن کردم که درباره آقای عالمی ببرسم، اندوهگین بود و پر از حسرت. درگذشت محمدرضا شجریان و اکبر عالمی در فاصله ای بسیار کم، پریشان اش کرده بود. می گفت: واولیایی است، بزرگان هنر و فرهنگ یکی یکی می روند و هولناک این است که کسی جای خالی آنها را پر نمی کند. صد سال یا بیشتر باید بگذرد تا کسی مثل استاد شجریان یا زنده یاد عالمی مانند یک ستاره بدرخشند و از درخشش او، دیگران هم بهره ببرند.

من اوایل دهه ۶۰ که فیلم تبر را ساختم با آقای عالمی آشنا شدم. آن زمان مدیر خالی ترمی ش بود.

ساعد نیک ذات: عاشق ایران بود

همگان قرار می داد تا جوانان ایرانی رشد و پیشرفت کنند و باعث ترقی ایران شوند. می گفت من برای پیشرفت ایران جلوی همه دانایان زمین را نمی زنم. سال ۶۵ در یک سخنرانی که در موزه هنرهای معاصر برگزار شد، ایشان را از نزدیک دیدم. آن زمان مد بود که اورکت سبز پیوشند که ثابت کنند انقلابی اند. آقای عالمی آمد، کت و شلوار به تن و آراسته. زمانی که شروع به صحبت کرد من از او



آموختم اگر می خواهم جای پای محکمی در هنر و فرهنگ داشته باشم، باید دانش یاد بگیرم و علم خود را یاد کنم. باسودی و دانش تنها راه ماندن و داشتن اعتبار در دنیای فرهنگ و هنر است. آقای عالمی همیشه می گفت:« در دنیای هنر سه نوع آدم وجود دارد: هنرور، هنروروز و هنرمند. هنرور به وسیله هنر، درآمد کسب می کند. هنرور با ابزار هنر آشناست. اما هنرمند و آدم خلاق، دانشمند و مسلط به ابزار هنر است که آفرینش هنری، حرفه اوست. آفرینش از او شروع می شود...» و امروز ما عزادار یکی از معتبرترین هنرمندان ایران هستیم. نمی دانم چه زمانی و در چه مقطعی از تاریخ باردیگر ایران هنرمند و حکیمی مانند اکبر عالمی را به خود ببیند. مطمئنم جای او برای سال های زیادی خالی خواهد بود. ❗

ساعد نیک ذات، عکاس و فیلمبردار سینما، در میانه حرف هایش درباره آقای عالمی، گریه کرد. گریه شاگرد و دوست برای استاد؛ استادی که برای نیک ذات و هم نسلان او سنگ تمام گذاشته است و آنها از او بسیار آموخته اند. هم فن یاد گرفته اند هم اخلاق، هم راه و رسم انسان بودن. نیک ذات می گوید: آقای عالمی برای چند نسل از جوانان ایران که به عکاسی، سینما و دیگر هنرها علاقه مند بودند، استادی تمام عیار بود. فرق نمی کند در دانشگاه درس خوانده باشی یا در محفل و انجمنی پای صحبت های او نشسته باشی یا در تلویزیون او را دیده باشی، همه شاگرد او بودیم. زمانی که تصمیم گرفتم انجمن ملی عکس ایران را راه اندازی کنیم، آقای عالمی تلاش زیادی برای به سرانجام رساندن این انجمن به خرج داد و افتخار ما این است که عضو هیات موسس انجمن بود.

آنچه در همه این سال ها در آقای عالمی دیدم، فروتنی بود و استقلال شخصیتی. زان می دانست و مشتاق یادگیری بود. می دانید چرا آقای عالمی درکنار چند نسل بوده و به آنها آموزش داده و برای همه آنها همیشه جوان و پرانرژی بوده؟ چون علمش را مدام به روز می کرد. این خصلت بی نظیر او بود. هر روز اطلاعات و معلوماتش به روز می شد، برای همین من به او صفت «حکیم» می دهم. چون علمش زیاد بود، چون درباره فرهنگ و هنر دانش عمیقی داشت، بی سواد ی نبود که با چند کلام حرف دهان پر کن، بخواهد نظر دیگران را به خود جلب کند. حرفش سند علمی داشت و مرجع بود. از همه مهم تر علاقه عجیبی به ایران داشت، از ناسیونالیست های خودخواه بی سواد نبود. او دانش خود را به روز می کرد و آن را در اختیار

آغاز جشنواره فیلم کودک و نوجوان

پانزدهمین جشنواره فیلم کودک و نوجوان در اصفهان آغاز به کار کرد. به گزارش جام جم، این جشنواره ۱۳ بخش دارد که برخی از آنها عبارتند از: مرور آثار ابوالفضل جلیلی، محمدرضا علیقلی، یک روز با مجید جمیدی، مروری بر فیلم های موزیکال ایران، صد فیلم، صد فیلمساز (به مناسبت صدسالگی سینمای ایران) و... در این جشنواره فیلم هایی از کشورهای فرانسه، یونان، هند، دانمارک، آلمان، اتریش، ژاپن، سوئد، مصر، سریلانکا و نروژ نیز روی پرده می رود. (صفحه ۳)



برف و باران در راه کشور



و تلاطم آب دریا مواجه خواهند بود. همچنین نفوذ جریان های کم فشار در نواحی جنوبی ناپایداری سطوح میانی جو را در پی خواهد داشت. در سه روز آینده شاهد بارندگی، رگبار و رعد و برق و برف در مناطق سردسیر خواهیم بود. (صفحه یک)

نوبل ادبیات به نویسنده

معترض چینی رسید

گائو شینگ جیان، نویسنده مخالف دولت چین مقیم پاریس که در کشور خود اجازه نوشتن ندارد، جایزه ادبی نوبل را از آن خود کرد.

آکادمی سوئد این تبعیدی ۶۰ ساله را به خاطر نوشتن کتاب علوم تلخ و نوع کلام که از کشمکش برای درگیری در فرهنگ توده ها صحبت می کند برای این جایزه در نظر گرفت.

نوشته های گائو از سال ۱۹۸۶ در پکن ممنوع شد و او در سال ۱۹۸۷ پس از ترک کشورش به عنوان پناهنده سیاسی در پاریس اقامت گزید. او می گوید: برای محافظت از خانواده اش چین را ترک کرده است. گائو اولین چینی است که موفق به کسب جایزه نوبل شده است. (صفحه ۱۶)

نظر حمید تمجیدی درباره سینمای کودک

به نظرم فقیرترین و منزوی ترین سینما، سینمای کودک است. چند سال قبل تلاش شد تا این سینما به معنای واقعی کلمه ایجاد شود اما مسؤولان حمایت نکردند. اگر آنها به جای حمایت کامل از فیلمسازانی باشند که برای جشنواره ها فیلم می سازند کمی هم به سینمای کودک فکر کرده و از آن حمایت کنند حتما حال این سینما هم بهتر می شود. (صفحه ۳)

کشف گور دسته جمعی ژیا



طبق تحقیقات سال ۱۹۹۲ اوج قتل عام مسلمانان در بوسنی بوده است. فرمانده نیروهای صرب به سربازان خود دستور داده بود با قتل عام مسلمانان برتری صرب ها در یوگسلاوی سابق را فراهم کنند. صرب ها در یک اقدام جنون آمیز در اکتبر سال ۱۹۹۲ تعداد زیادی از مسلمانان را در شهر ویشه گراد به قتل رساندند و جنازه آنها را در رودخانه درینا ریختند. روز گذشته روزنامه دونوی آوار چاپ سارایوو اعلام کرد، در جست وجوی مقفودان جنگی ۸۳ جسد از یک گور دسته جمعی در حوالی ژیا واقع در بوسنی و هرزگوین کشف شده است. در این قتل عام مسلمانان ابتدا به صورت دسته جمعی اعدام و سپس در گودال های عمیق دفن شده اند. (صفحه ۱۴)

مرور و عبور